کهن‌نامهٔ ادب پارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
سال پنجم، شمارهٔ چهارم، زمستان ۱۳۹۳، صص ۲۷ – ۵۳

سیر داستان‌های درونه‌ای در ادبیات فارسی تا پایان قرن نهم

سمیرا بامشکی*
نسیم زحمتکش**

چکیده

«روایت در روایت» یا «داستان درونه‌ای» روایتی است که در روایتی دیگر، که به مثابهٔ چهارچوبی برای آن است، درونه‌گیری شود. با وجود گستردگی آثاری که از این شگرد روایی بهره برده‌اند، هیچ منبعی که فهرستی از این آثار را فراهم کرده باشد در دسترس نیست تا به استناد آن پژوهش‌گران بتوانند گام‌های بعدی را برای شناسایی و بررسی نقش و کارکرد داستان‌های درونه‌ایِ ادب فارسی بردارند. از این‌رو پرسش این پژوهش بررسی و بازنماییِ سیر داستان‌های درونه‌ای در ادبیات فارسی تا پایان قرن نهم هجری است. روش پژوهش بر بنیان «مدل طبقه‌بندی اسکولز و کلاگ» به مطالعهٔ سیرِ تاریخی درونه‌گیری‌های روایی پرداخته است. بر بنیان این طبقه‌بندی، میان دو گونهٔ ادبیِ «تجربی» و «روایت‌مدار» تمایز است. آن گروه از آثار ادبی که در شاخهٔ ادبیات «تجربی» قرار می‌گیرند، از این پژوهش خارج‌اند. در مقابل، این پژوهش به شاخهٔ ادبی «روایت‌مدار» می‌پردازد. نتایج به دست آمده با توجه به بررسی‌های انجام‌شده عبارت است از این‌که دامنهٔ کاربرد این شیوهٔ روایی در ادبیات فارسی چنان گسترده است که پیوستاری از متون داستانی منثورِ عامیانه تا آثار منظومِ عرفانی و تعلیمی را دربر می‌گیرد. شگرد داستان درونه‌ایِ در طیف گسترده‌ای از ژانرهای گوناگون حضور دارد؛ از گونه‌های تعلیمی گرفته تا گونه‌های روایت‌مدار. هم‌چنین با توجه به نقشی که داستان درونه‌ای در پیش‌برد پیرنگ دارد انواع سه‌گانهٔ داستان درونه‌ای کشف شد: ابزاری، شالوده‌ای، و ترکیبی.

کلیدواژه‌ها: داستان درونه‌ای، روایت در روایت، روایت‌مدار، اسکولز و کلاگ.

---

* استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسندهٔ مسئول) samira_bameshki@yahoo.com
** کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فردوسی مشهد nasim_violet@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱

Archive of SID
www.SID.ir

۱. مقدمه

«روایت در روایت» یا «داستان درونه‌ای» در ساده‌ترین تعریف خود روایتی است که درون روایتی دیگر قرار گیرد؛ به طوری که آن روایت به‌مثابهٔ چهارچوب و قابی برای روایت درونه‌ای باشد (Prince, 2003: 25). در بین شاخه‌های گوناگون و زمینه‌های متعددی که دانش روایت‌شناسی در دهه‌های گذشته مورد مطالعه قرار داده، بررسی این شگرد روایی و نیز جست‌وجوی نمونه‌ها و استخراج مدل‌های متنوع آن بخت کم‌تری برای طرح و پژوهش در حوزهٔ ادبیات فارسی و در بین پژوهش‌گران ایرانی داشته است. این در حالی است که کاربرد شیوهٔ داستان در داستان در ادبیات روایت‌مدار فارسی بسیار گسترده و متنوع است. اما در بین متون فارسیِ دارای این ویژگی روایی، *هزار و یک شب* بیش‌ترین بخت را در ترغیب پژوهش‌گران به انجام مطالعاتی با چنین رویکردی داشته است. این خوش‌اقبالی از آن جا برمی‌خیزد که *الف لیلة و لیله* به عنوان تحریر عربیِ این داستان، توجه بی‌بدیل شرق‌شناسان را چنان به خود جلب کرد که بی‌درنگ ترجمه‌های گوناگونی از آن به زبان‌های گوناگون انجام شد. این شناخت و علاقه‌مندی همگانی نگره‌پردازان را متوجه ضرورت بررسی ساختار جذاب روایی این اثر کرد. با این حال بر خلاف باور عمومی، *هزار و یک شب* فقط متنی فارسی نیست که ساختار معنایی و فرمی آن بر بنیان درونه‌گیری قرار دارد. دامنهٔ کاربرد این شیوهٔ روایی در ادبیات فارسی چنان گسترده است که پیوستاری از متون داستانی منثورِ عامیانه تا آثار منظومِ عرفانی و تعلیمی را دربر می‌گیرد. حلقهٔ اتصال این آثار متنوع و متفاوت در ساختار متکثرِ نقل حکایت‌های درونه‌ای نهفته است. با وجود گستردگی آثاری که از این شگرد روایی بهره برده‌اند، هیچ منبعی که فهرستی از این آثار را فراهم کرده باشد در دسترس نیست تا به استناد آن پژوهش‌گران بتوانند گام‌های بعدی را برای شناسایی و بررسی نقش و کارکرد داستان‌های درونه‌ایِ ادب فارسی بردارند.

پرسش اصلی این پژوهش بررسی و بازنماییِ سیر داستان‌های درونه‌ای در ادبیات است. دشواری این پژوهش برخاسته از فراوانی کاربرد داستان و داستان‌های تمثیلی در شاخه‌ها و گونه‌های متنوع ادبیات فارسی و اشتیاق همیشگیِ شعرا، نویسندگان و اندیشمندان ایرانی به داستان‌پردازی است.

۲. پیشینهٔ تحقیق

همان‌طور که اشاره شد، در زمینهٔ درونه‌گیری، آثاری که مستقیماً مرتبط یا مشابه با موضوع پژوهش حاضر باشد در دست نیست. درونه‌گیریِ روایی در ادب فارسی به

www.SID.ir

عنوان موضوع این پژوهش، شناسایی و بررسی نشده است، نـه از آن رو کـه پدیـدهٔ ادبـیِ تعریف‌شده‌ای در مطالعات و ارزیابی‌های ادبی به شمار می‌رود، بلکه از آن جهت که نه‌فقط به عنوان زیرگونه‌ای از ژانرِ روایی، هستی‌مندیِ پذیرفته‌شده‌ای نـدارد کـه حتـی بـه عنـوان شگردی روایی نیز به‌ندرت مورد مطالعه قرار گرفته اسـت؛ شـگردی کـه جـای پـای آن از کهن‌ترین نمونه‌های موجودِ روایت‌گریِ شفاهی تا رمان‌هـای مـدرن و پسـامدرنِ امـروزی کشیده شده، به گونه‌ای که می‌توان دیرینگی و دیرپایی آن را با دیرینگـی و دیرپـایی خـودِ «روایت» یکی دانست. هدف این پژوهش پی‌گیریِ نقش‌آفرینیِ این شـگرد در گونـهٔ ادبـیِ روایت‌مدارِ فارسی از آغاز تا پایان قرن نهم هجری است. منظور از ژانر روایت‌مـدار «تمـام انواعی است که روایت، هسته، و شالودهٔ آن‌هـا را تشـکیل داده و سـایر عناصـر مـتن را در حاشیه قرار می‌دهد. ویژگی روایت ادبی برساخته‌بودنِ آن است؛ یعنی متکی به طرح بوده و ازپیش‌اندیشیده است» (زرقانی، ۱۳۸۸: ٤٤٣).

دامنهٔ وسیع آثار روایی و در دست نبودن کتاب‌شناسی‌ای جامع دربارهٔ شگرد درونـه‌ای، ضرورت پی‌گیریِ سیر این شگرد را در گسترهٔ ادب فارسی مطرح ساخت. بازهٔ زمانیِ ایـن پی‌جوییِ تاریخی را از نخستین آثار روایی فارسی تا آخرین آثـار قـرن نهـم هجـری قـرار داده‌ایم. تلاش کرده‌ایم تا حد امکان آثار مربوط به گونهٔ ادبی روایت‌مدار را بررسی کنـیم و «فهرستی» از متونی که در آن‌ها درونه‌گیری، به مثابهٔ تمهیدی ادبـی و هنـری بـه کـار رفتـه است، تهیه کنیم.

۳. روش پژوهش

فراوانیِ تولیدات ادبی در دورهٔ مورد مطالعه از سویی، و در دسترس نبودن بسیاری از آثار از سوی دیگر، بررسی همهٔ نمونه‌های ممکن را دشوار و در حقیقت غیرممکن می‌کند. با ایـن حال، تلاش کرده‌ایم بر اساس «مدل طبقه‌بندی اسـکولز و کـلاگ» نگـاهی کوتـاه بـه سـیرِ تاریخی درونه‌گیری‌های روایی بیندازیم و با آوردن نمونه‌هایی از هـر اثـر، شـمایی کلـی از داستان در داستان‌های ادبیات فارسی ارائه کنیم. نکتهٔ مهم لزوم محدود کردن حوزهٔ مطالعاتی این پژوهش است؛ زیرا همان‌طور که اشاره شد، روایت‌گری در همـهٔ حـوزه‌هـای معرفتـی به مثابهٔ ابزاری برای تبیین بهتر مطالب و ایجاد جذابیت و کشش به کار رفته است. آن‌چه ما را در محدود کردن دایرهٔ آثار و گونه‌های ادبی یـاری مـی‌کنـد تمـایزی اسـت کـه برخـی پژوهش‌گران بین دو گونهٔ ادبیِ «تجربی» و «روایت‌مدار» قائل شده‌اند.

Archive of SID

www.SID.ir

نگره‌پردازانی مانند اسکولز و کلاگ با وام گرفتن از روش‌های فرای، به تبیین نظام طبقه‌بندی او پرداختند. از نظر ایشان، متونِ «تجربی» و «داستانی» متمایز از یک‌دیگر و مربوط به دو گونهٔ متفاوت ادبی‌اند. به بیان دیگر، از درخت حماسه، که داستان زاییدهٔ آن است، دو شاخهٔ مستقل رشد کرد: شاخهٔ ادبیات داستانی (fictional) و شاخهٔ ادبیات تجربی (empirical). در شاخهٔ تجربی، «میتوس» (mythos) (قصه یا اسطوره‌ای که نوعی فهم از حقیقت جهان را بیان کند) حذف شده و جای آن را واقعیت یا ایده‌آل گرفته است (ایرانی، ۱۳۸۰: ۱۰۱)؛ این شاخه خود به دو گونه تقسیم می‌شود: «تاریخی» (مانند تاریخ‌نگاری و زندگی‌نامه‌نویسی)، و «محاکاتی» (مانند زندگی‌نامهٔ خودنوشت). شاخهٔ «روایت‌مدار» نیز به دو گونه تقسیم می‌شود: گونهٔ «رمانتیک» یا آثاری که تکانه‌ای زیبایی‌شناختی به آن‌ها شکل داده است، و گونهٔ «پندآموز» که حاصل تکانه‌ای فکری یا اخلاقی است (دوبرو، ۱۳۸۹: ۱۳۹). برای روشن‌تر کردن این طبقه‌بندی مدل آن را ارائه می‌دهیم.

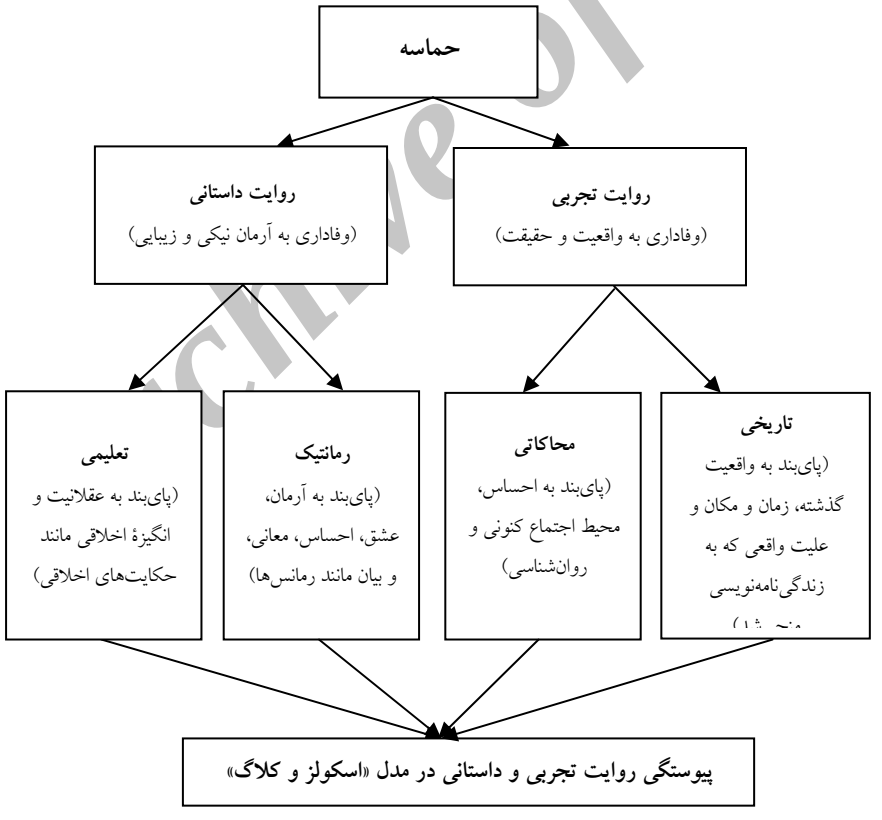

(به نقل از زرقانی، ۱۳۹۰: ۱۲۰)

www.SID.ir

با رویکردی به ادبیات فارسی، می‌توان آن‌چه را اسکولز و کلاگ از آن با نام شاخهٔ «تاریخی» یاد می‌کنند، به تاریخ‌نگاری‌های نویسندگان ایرانی به‌ویژه در عصر مغول و نیز سنتِ تذکره‌نویسی و مقامه‌نویسی مربوط دانست. در شاخهٔ محاکاتی که شامل انواعی مانند نمایش‌نامه‌نویسی، سفرنامه‌نویسی، نامه‌نگاری یا نوشتن زندگی‌نامهٔ شخصی می‌شود، ادبیات دورهٔ مورد نظر ما نمونه‌های چندانی ندارد. اما در گونهٔ «روایت‌مدار» یعنی درست همان جایی که پژوهش ما شکل می‌گیرد، با هر دو زیرگونهٔ طرح‌شده، به شکلی آمیخته روبه‌روییم؛ زیرا نویسندگان و شاعران ایرانیِ این عهد ذوق زیبایی‌شناختی و تفکر حِکمی و استعلایی را همراه با هم و در کنار هم می‌پسندیدند.

آن‌چه در این قسمت اهمیت ویژه‌ای دارد، اساس قرار دادن تمایزی است که رابرت اسکولز و رابرت کلاگ در مدل پیش‌نهادی خود میان زیرگونه‌های ژانر ادبی روایت‌مدار قائل شده‌اند. بر بنیان این طبقه‌بندی، آن گروه از آثار ادبی که در شاخهٔ ادبیات «تجربی» قرار می‌گیرند، از مرزهای پژوهش ما خارج‌اند. به بیان دیگر تذکره‌ها، مقامه‌نویسی‌ها، سفرنامه‌ها، مکاتیب، و تاریخ‌نگاری‌ها در قلمرو این مطالعه نمی‌گنجند. در مقابل، این پژوهش به شاخهٔ ادبی «روایت‌مدار» می‌پردازد که منظومه‌های داستانی و نیز شمار زیادی از متون حِکمی، اخلاقی، و عرفانی را دربر می‌گیرد که از تمثیل‌های داستانی سود جسته‌اند. با وجود آن‌که طبقه‌بندی اسکولز و کلاگ بسیاری از زیرگونه‌های ادبی را که به شاخهٔ «تجربی» تعلق دارند از دایرهٔ چنین پژوهشی خارج می‌کند، کاربرد فراوان تمثیل‌های داستانی در آثار فارسی و اقبال و اشتیاق شاعران و نویسندگان به داستان‌گویی به عنوان ابزاری القایی/ هنری، هم‌چنان احتمالات فراوانی را در باب کاربرد و میزان درونه‌گیری دربارهٔ تک‌تک متون روایت‌مدار فارسی پیش روی می‌گذارد. هدف این کار بازنماییِ سیر این گونه داستان‌ها در بازهٔ زمانی مقرر است. گستردگی و تنوع آثار و نیز در دسترس نبودن بسیاری از نمونه‌ها ادعای مطالعه و معرفی همهٔ آثارِ موجود را اغراق‌آمیز می‌کند.

پس از مطالعهٔ آثار مورد نظر، بر اساس طبقه‌بندی و تحلیل شیوهٔ کاربرد درونه‌گیری در متون معرفی‌شده، الگویی را طرح کرده‌ایم که آثار را در سه گروه اصلیِ درونه‌گیری‌هایِ «ابزاری»، «شالوده‌ای»، و «ترکیبی» قرار می‌دهد. در هر یک از این گروه‌ها نیز آثار با توجه به زمان تألیف در دسته‌های کوچک‌تری جای گرفته‌اند. گفتنی است که طراحی این الگوی سه‌گانه از دل خود آثار روایی مورد مطالعه در این بازهٔ زمانی استخراج شده است، یعنی پس از مطالعهٔ حجم بسیار زیادی از متون و گردآوری متونی که این شگرد روایی را به کار گرفته بودند، به طبقه‌بندی داده‌ها پرداختیم که حاصل آن کشف انواع سه‌گانهٔ درونه‌ای است.

Archive of SID

www.SID.ir

۴. روایت‌گریِ ایرانی و درونه‌گیری

گفتنی است که در چنین پژوهشی نمی‌توان همهٔ آثار روایی ادبیات فارسی را بررسی کرد؛ زیرا اندیشمندان و نگره‌پردازان تربیتی و عرفانی ایران به همان اندازه به داستان‌گویی اقبال نشان داده‌اند که روایت‌گرانِ این سرزمین. اصولاً نمی‌توان تمایز مشخصی بین این دو گروه و این دو تلقی از ادبیات قائل شد. هدف این پژوهش نشان دادن این دو شاخهٔ تاریخ ادبی ایران نیست، هم‌چنین جدا پنداشتنِ این دو نیز، به عنوان دو سنت متمایز، منطقی و علمی به نظر نمی‌رسد. در حقیقت این دو شیوه چنان در هم تنیده‌اند و چنان از یک‌دیگر تأثیر پذیرفته‌اند که در برخی آثار، دوره‌ها، و ژانرها به‌راستی بازشناسی آن‌ها از یک‌دیگر دشوار و اصولاً تلاشی بیهوده است. هدف این است که نشان دهیم چگونه داستان‌گویی در بین طیف‌های گوناگون مردم و نیز در دوره‌های مختلف رواج داشته و مورد استقبال قرار گرفته است؟ و این اشتیاق چگونه داستان‌پردازان را به کاربرد تمهیدات و شگردهای ادبی، به‌ویژه درونه‌گیری به عنوان موضوع این مطالعه، برانگیخته است؟

پیرامون استفاده از تمهیدات روایی برای جذب مخاطبان، افزودن بر قدرت و نفوذ کلام و نیز گسترش و عمومیت یافتنِ روایت و روایت‌گری به‌ویژه از طریق آفرینش تمثیل‌های جذاب و مؤثر باید به نقش صوفیه اشاره کرد. چنان‌که فراوانیِ کاربرد حکایت و داستان تمثیلی از ویژگی‌های اصلیِ متون صوفیانه است که صبغه‌ایِ تخیلی به زبان می‌بخشد، موجب تحرک و پویایی متن، و جانشین استدلال‌های عقلی و منطقی می‌شود (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ٤٨٩). هم‌چنین می‌توان فراوانیِ داستان تمثیلی در متون عارفانه و نیز ادبیات مردم‌پسند را متأثر از شیوهٔ واعظان و مجلس‌گویان دانست (← توکلی، ۱۳۸۹: ٢٦٦). یکی از برایندهای این ویژگیِ تداعی‌گری استفاده از تمهید درونه‌گیری است؛ زیرا در جریان تداعی، هر قصه‌ای می‌تواند پیش از پایان یافتن، قصه‌ای دیگر را به ذهن آورد؛ پس مجلس‌گو باید از جریان سیال قصه‌ها در ذهن خویش آگاه باشد و آن‌ها را همان‌گونه که یک به یک گشوده و طرح کرده است به سرانجام برساند.

گونهٔ روایت‌مدار در تاریخ ادبی کهن سرزمین ما گونه‌ای مستقل به شمار نیامده و همواره غایتی معناگرا بر آن حکم رانده است، اما اغلب شاعران و نویسندگانِ داستان‌پرداز با زیرکی و مهارت کوشیده‌اند ضمن پیروی از سنت‌های زمان و القای درون مایه‌های غالبِ اخلاقی و تعلیمی، مخاطبان خویش را بر سر شوق آورند. درونه‌گیری یکی از شگردهایِ آزمودهٔ جذب مخاطب است. شگردی که مانند طلسم روایت‌نیوش را پا به پای خویش به اعماق روایت فرو می‌برد و لذتی بی‌بدیل و اعجازگونه به او می‌چشاند.

Archive of SID

www.SID.ir

در این جُستار به سیر تاریخیِ درونه‌گیری روایی در آثار داستانیِ فارسی می‌پردازیم با این یادآوریِ ضروری که در بازهٔ زمانیِ مورد نظر این پژوهش، همواره ژانر روایی آمیخته با دیگر ژانرهای ادبی بوده است؛ یعنی به جای داستان به‌مثابهٔ یک گونهٔ ادبی، زیرگونه‌های داستانی/ حِکمی، داستانی/ عرفانی، داستانی/ تاریخی، و مانند آن داشته‌ایم؛ چنان‌که باید گفت: در ادبیات فارسی «قصه‌ها معمولاً روایت‌هایی خلاقانه‌اند که همراه با انواع دیگر ادبی می‌آیند» (میرصادقی، ۱۳٦٦: ۲٤). این آمیختگی به‌ویژه دربارهٔ ادبیات روایی و تعلیمیِ فارسی بسیار قابل توجه است.

۵. بحث و بررسی

۱.۵ انواع درونه‌ای

ضروری است که در نخستین گام، آثار را در گروه‌هایی کوچک‌تر و با تعاریف دقیق‌تر گنجانده و این‌گونه به ارزیابی خود سهولت، وضوح، و کارآیی بیش‌تری بخشیم. مبنای این طبقه‌بندی میزان حضور و اثرگذاریِ شگرد درونه‌گیری در متونی است که در حوزهٔ بررسی ما قرار می‌گیرند. مطالعهٔ این متونِ ما را به وجود دو نگرش اساسی نسبت به درونه‌گیری راه می‌دهد:

در رویکردِ نخست، درونه‌گیری نه به عنوان مبنای پیکربندی و طرح‌افکنیِ اثر، که به عنوان شگردی کارآمد برای القای مفاهیم و نیز افزودن بر طول و جذابیت متن در نظر گرفته شده است و نویسندگان و شاعران گاه‌گاه از آن در بخش‌های روایی آثار خویش سود جسته‌اند؛ از این رو، این آثار را دارای ویژگیِ درونه‌گیریِ «ابزاری» می‌خوانیم؛ زیرا در رویکردِ مؤلفانِ آن‌ها، داستان‌های درونه‌ای اغلب ابزاری برای بازگشت به گذشته یا سفر به آینده از طریق نقل خاطرات، معرفی شخصیت‌ها، گزارشِ سفرها و مأموریت‌ها، طرح پیش‌گویی‌ها، شرح رؤیاها، و مکاشفات روحانی و نظایر آن بوده‌اند؛

اما در نگرش دوم، این شیوه ریشه در نگرش آفرینندهٔ اثر به جهان و نیز مفهوم ادبیات دارد و به جای تمهیدی صرف، به پدیده‌ای شاکله‌ساز بدل می‌شود. در این تلقی درونه‌گیری الگویی روایی است که داستان را طرح‌افکنی می‌کند، به سیر آن جهت می‌دهد و با وجود پاره‌پاره کردنِ داستان و ایجاد سطوح چندگانهٔ روایی کل اثر را در ساختاری یک‌پارچه و قانون‌مند آغاز می‌کند، پیش می‌برد، و به سرانجام می‌رساند؛ الگویی که با محتوا یکی می‌شود، به آن معنا می‌بخشد، و انسجامی هنری می‌آفریند. تمام آن‌چه در بخش روایی

Archive of SID

www.SID.ir

چنین آثاری رخ می‌دهد ارتباطی پویا، ناگسستنی، و زنجیروار با این شیوه از گنجاندن داستان‌ها در بطن یک‌دیگر دارد؛ از این رو، درونه‌گیری‌های داستانی را در چنین آثاری «شالوده‌ای» می‌نامیم؛

آثاری نیز هستند که در بین این دو گروه قرار می‌گیرند، چنان‌که در بخش‌هایی از آن‌ها کاربرد داستان‌های فرعی و استفاده از سطوح روایی تبدیل به مسئله و نمودی ساختاری می شود، اما در دیگر بخش‌ها نه چنین برجسته‌سازی و تشخص‌بخشی‌ای به درونه‌گیری دیده می‌شود و نه اصولاً الزامی به الگومداری و ساختارمندی. از این آثار می‌توان با عنوان آثار «ترکیبی» نام برد، که یکی از دو رویکرد اصلی (غالباً رویکرد نخست) در آن‌ها نمایان‌تر است.

حال متون را از نظر جای‌گاهی که در این تقسیم‌بندی دارند معرفی و اجمالاً آن‌ها را مطالعهٔ می‌کنیم: ۱. درونه‌گیری‌های «ابزاری»، ۲. درونه‌گیری‌های «شالوده‌ای»، و ۳. درونه‌گیری‌های «ترکیبی».

۱.۱.۵ درونه‌گیری‌های «ابزاری»

نخستین نوع را به آثار و نمونه‌های رویکرد «ابزاری» اختصاص می‌دهیم؛ زیرا نخستین نمونه‌های موجود از این زیرگونهٔ «شاخهٔ ادبی روایت‌مدار» نیز تلقی‌ای ابزاری نسبت به درونه‌گیری داشته‌اند. این بازهٔ زمانی هزارساله را با تقسیم به شش دوره بررسی می‌کنیم: قرون ابتدایی بعد از اسلام تا پایان قرن چهارم، قرن پنجم، قرن ششم، قرن هفتم، قرن هشتم، و سرانجام قرن نهم هجری. همهٔ متون ارائه‌شده در جداول پایانی تک‌تک بررسی شده‌اند، اما به سبب حجم بالای مطالب در این‌جا ناچاریم برای هریک از این انواع سه‌گانه فقط یک نمونه را شرح دهیم.

نمونهٔ منتخب برای درونه‌ایِ ابزاری *شاهنامه* است. *شاهنامه* چنان شکوه‌مند سروده شده که تا قرن‌ها الهام‌بخش حماسه‌سرایان ایرانی بوده است. هم‌چنان که این اثر در زمینهٔ بنیادینِ حماسی خود، بن‌مایه‌ها و مضامین گوناگونِ مربوط به زندگی و سرگذشت چندهزارسالهٔ بشر را طرح کرده است، در داستان‌گویی هم دست‌مایه‌ها و شگردهای متعددی را به کار گرفته است. فردوسی از شیوهٔ داستان در داستان به شکل‌های مختلفی سود جسته است. از آن جمله می‌توان به «گزارش نبردها و مأموریت‌های پهلوانان» اشاره کرد که معمولاً در پیش‌گاه پادشاهان به شکلی داستانی نقل شده و گاه نیز نه به صورت رویاروی که از طریقِ نامه یا پیغامی شفاهی گزارده می‌شود. گزارش‌هایی از این دست اغلب بازگفتِ رویدادهایی

Archive of SID

www.SID.ir

است که پیش از این و در مسیر داستان در جریان آن‌ها قرار گرفته‌ایم و حال آن‌ها را دوباره یا گاه چندباره از نگاه قهرمانان داستان مرور می‌کنیم.

یکی از این داستان‌ها که از نظر رویکرد پژوهشی ما شایان توجه است داستان مبارزهٔ «سام» و «اژدهای کشف‌رود» است (فردوسی، ۱۳۸۲: ۱۲۰–۱۲۲). فردوسی این داستان را در جای خود نقل نکرده، بلکه در میانهٔ داستان «زال و رودابه»، آن‌جا که «زال» مصرانه از پدر می‌خواهد وارد نبرد با خاندانِ «مهراب کابلی» نشود، «سام» ضمن هم‌داستانی با فرزند، طی نامه‌ای به «منوچهرشاه» داستانِ کشتن این اژدها را به عنوان نمونه‌ای از پهلوانی‌های خود نقل می‌کند. شرح این داستانِ از سوی «سام» بسیار با جزئیات صورت گرفته است و خواننده و شنونده را از آغاز تا فرجام مجذوب خویش می‌کند و فردوسی آن را به شیوهٔ اول‌شخص و از زبان قهرمان داستان نقل می‌کند.

بسامد مکرر داستان‌ها نیز از موارد شایان توجه در *شاهنامه* است. از آن جمله داستانِ چگونگی سپیدموی زاده شدنِ «زال» و سرگذشت اوست که بارها و بارها در موقعیت‌های گوناگون از زبان «سام» یا «زال» برای مخاطبانشان نقل می‌شود. این در حالی است که پیش از این، سراینده/ راوی داستان را به‌تمامی شرح داده است. اصولاً در داستان‌های حماسی و پهلوانی، اغلب درونه‌گیری به شکل گزارش نبردها، متن نامه‌ها، شرح‌حال پهلوانان، و نیز اختربینی و خواب‌گزاری می‌آید، که دسته‌ای رو به گذشته دارد و دیگری رو به آینده.

۲.۱.۵ درونه‌گیری‌های «شالوده‌ای»

چنان‌که بیان شد، گروهی از آثار مربوط به ژانرِ ادبیِ روایت‌مدار بر پایهٔ آوردن داستان‌های لایه‌لایه و ایجاد سطوح روایی طرح‌افکنی و شالوده‌سازی شده‌اند. این ویژگیِ ساختاری داستان‌پردازیِ این متون را غالباً پیچیده کرده و دنبال کردن سیر روایت را دشوار ساخته است. تغییر سطحِ روایی اغلب به تغییر سطح راوی و روایت‌نیوش نیز می‌انجامد؛ پس خواننده برای گم نشدن در کلاف داستان باید خوانشی هشیارانه‌تر داشته باشد و نشانه‌های مربوط به تغییر سطوح را به خاطر بسپارد.

> انتقال از یک سطح روایی به سطح دیگر می‌تواند یا از طریق معرفی موقعیت تازه به دست آید یا از طریق ابزارِ گفتمان؛ از دیگر طریقه‌های انتقال مورد خطاب قرار دادن خواننده است: راوی به خواننده می‌گوید که وارد داستان جدیدی شده. گریز و انحراف از موضوع توسط راوی نیز شیوهٔ دیگری برای انتقالِ سطوح روایی است (به نقل از بامشکی، ۱۳۹۰: ۵۸).

Archive of SID

www.SID.ir

ورود به فضای چنین داستان‌هایی به گام زدن در گذرگاهی هزارتو می‌ماند و به پس زدنِ یک به یک پرده‌هایی که هرگز نمی‌توان دانست تا کجا آویخته‌اند و حتی گاه از یاد می‌بریم که برای رسیدن به موقعیتِ کنونیِ داستان چه مسیری را پیموده‌ایم. در پایان، داستان‌پرداز ما را مهیا کرده باشد یا نه، ناگزیریم راهِ آمده را تا منزل نخست (داستانِ مادر) بازگردیم.

در این‌جا، آن دسته از آثار متعلق به نخستین کوشش‌های ادبیِ پس از اسلام تا پایان قرن نهم هجری را بررسی می‌کنیم که در ساختار روایی خود، به شیوهٔ «شالوده‌ای» از شگرد درونه‌گیری استفاده کرده‌اند.

داستان‌سرایی به منزلهٔ دنباله‌ای بر ادبیات پیشااسلامی از آغازِ شعر فارسیِ دری مورد توجه قرار گرفت. داستان‌های کهنِ دوره‌های پیشین، که به صورتِ روایات اغلب شفاهی و گاه مکتوب در اختیار اهل ادب قرار داشت، نخستین آثار منظوم فارسیِ دری را بنیان گذاشتند. از آن جمله منظومه‌های *کلیله و دمنه* و *سندبادنامهٔ* رودکی، *منظومه‌های عاشقانهٔ* عنصری، و *شاهنامهٔ ابومنصوری* است که از آن‌ها جز ابیاتی پراکنده چیزی در دست نمانده است. ابوریحان بیرونی از داستان‌هایی مانند *حدیث اورمزدیار و مهریار* نام می‌برد که خود از فارسی به عربی بازگردانده است و از این‌ها نیز نسخه‌ای در دست نیست (باباصفری، ۱۳۹۲: مقدمه). از این رو، نمی‌توان پیرامون شیوه‌های روایت‌گری این آثار با قاطعیت اظهار نظر کرد. شاید اگر *هزار افسان* یا *سندبادنامه* و *کلیله و دمنهٔ* رودکی در دست بود، می‌شد از سرآغازی روشن و قطعی برای داستان‌سرایی تودرتو به مثابهٔ الگویی روایی سخن گفت؛ زیرا این آثار، چنان‌که می‌دانیم، در طبیعت روایی خویش ساختاری لایه‌لایه دارند. این نوع به چهار دورهٔ زمانی تقسیم شده است: قرن ششم، قرن هفتم، قرن هشتم، و قرن نهم و آغاز قرن دهم.

در بین انبوهی از نمونه‌های جالب توجه نمونهٔ انتخاب‌شده برای این نوع درونه‌ای *داستان سلیم جواهری* است؛ این داستان مانند داستان‌های *ابن‌تراب* نگارنده و تاریخ نگارش روشنی ندارد. برخی بر این باورند که اصل کتاب در دورهٔ تیموری نوشته شده است و بعدها از روی آن تحریرهای چندی متناسب با روح زمانه انجام شده است. با این حال، به نظر تاریخ‌نگاران ادبی نگارش کتاب تا پیش از قرن دهم صورت گرفته است. شروع این داستان «بر زمینه‌ای تاریخی و با استناد به برخی شخصیت‌ها و عناصر تاریخی استوار است. مؤلفِ ناشناختهٔ داستان با استفاده از چنین زمینه‌ای، بسیاری از بن‌مایه‌های افسانه‌های ایرانی را به اشکال گوناگون به تصویر کشیده است» (جعفری، ۱۳۸۷: ۸۰).

Archive of SID

www.SID.ir

در چهارچوب داستان اصلی، «حجاج بن یوسف» پس از ستمی که از او بر «سعید بن جبیر» می‌رود، دچار بی‌خوابی می‌شود و شبی پس از بیداری‌های متوالی با کابوسی دهشت‌ناک از خواب می‌پرد. امیر، که سخت آزرده است، از وزیر فرزانهٔ خویش می‌خواهد تا به گونه‌ای خاطر او را از تلخی و دهشت کابوس بازگرداند. تدبیرِ وزیر داستان‌گویی است؛ پس دو داستان برای حجاج نقل می‌شود: نخست داستانی کوتاه از زبان دختر وزیر در شرح چگونگیِ آشنایی‌اش با جهان پریان و آن‌چه در این مسیر بر او رفته، و سپس داستانی طولانی (*سلیم جواهری*) که راویِ آن یکی از زندانیان و مخالفانِ حجاج است و سرگذشتی غریب و شگفت‌انگیز را از سر گذرانده است. امیر مردِ در بند را به بارگاه خود می‌خواند و از این‌جا «سلیم» راوی زبان‌آور داستان سراسرِ فراز و فرود زندگی‌اش می‌شود. گویی سیاست کردنِ «سعید بن جبیر»، بی‌خوابی و کابوس «حجاج»، چاره‌جوییِ وزیر، داستان‌گوییِ دختر، و به یاد آوردنِ این زندانیِ فراموش‌شده همگی مقدماتی بوده‌اند که آرام‌آرام حجاج و ما را به سرزمین اسرارآمیز داستان‌های سلیم راه می‌نمایند. داستان سلیم با این نگاه نه داستانی فرعی، بلکه داستان مادر است که اندکی با تأخیر و پس از ذکر مقدماتی نقل می‌شود.

فراوانیِ بن‌مایه‌های مشترک این داستان با متون همانند خود به‌ویژه *هزار و یک شب*، می‌تواند موضوع بررسی مستقلی باشد، در این‌جا فقط به یکی از این بن‌مایه‌ها اشاره می‌کنیم و آن «خواب و رؤیا» است، که حضور مداوم و نقش پیش‌برنده‌اش در رویدادها «آن را به جزئی از ساختار داستان تبدیل نموده است» (همان: ۲۶).

۳.۱.۵ درونه‌گیری‌های «ترکیبی»

سومین و آخرین بخش در بررسی سیر، معرفی و بازنمایی آن دسته از آثار روایت‌مدار فارسی، که در گونهٔ درونه‌گیری‌های روایی می‌گنجند، به متونی می‌پردازد که روایت‌گری به شیوهٔ داستان در داستان فقط بخش‌هایی از آن‌ها را شالوده‌افکنی کرده است. به دیگر سخن، درونه‌گیری گاه جزوی از ساختار و طرح‌افکنیِ قسمت‌هایی از این آثار به شمار می‌رود و گاه صرفاً به شیوهٔ «ابزاری» از آن سود جسته شده است. بنابراین، از آن‌جا که شاکله و ساختِ روایی این آثار آمیزه‌ای از درونه‌گیری‌های «شالوده‌ای» و «ابزاری» است، آن‌ها را در گروه درونه‌سازهای «ترکیبی» قرار داده‌ایم.

برای تبیین بهتر وجه تمایز الگوی «ترکیبی» و «شالوده‌ای» می‌توان چنین بیان کرد که اگر داستان اصلی به گونه‌ای خودبسنده باشد که بتوان بخش داستان در داستان را بی‌آن‌که به

Archive of SID

www.SID.ir

ساختار روایی اثر لطمه وارد شود از آن حذف کرد، با درونه‌گیریِ «ترکیبی» مواجهیم. اما اگر داستان در داستان‌ها چنان در بافت قصهٔ مادر و در حقیقت پیرنگ اثر رسوخ کرده باشند که بدون آن‌ها پیش‌رویِ پیرنگ ناممکن شود، اثر را باید متعلق به گروه «شالوده‌ای» دانست. باید توجه کرد که اساس این تقسیم‌بندی بر منطق ساختاریِ اثر قرار دارد و نه منطق معنایی آن؛ زیرا هر داستان درونه‌ای بی‌تردید در جهان معنایی متن ایفاگر نقشی است.

می‌توان با طرح نمونه‌هایی از هر دو گونهٔ «ترکیبی» و «شالوده‌ای» این بحث را کامل کرد؛ مثلاً، اگر داستان‌های «گنبدهای هفت‌گانه» را از *هفت پیکر* نظامی حذف کنیم، بی‌تردید منطق معنایی اثر، که نمایش سیر و سلوک بهرام و منازل مختلف استحالهٔ شخصیتِ اوست، ضربه‌ای جدی خواهد خورد. اما از نظر ساختار روایی، سرگذشت بهرام بدون این داستان‌های هفت‌گانه نیز سیر منطقی خود را ادامه خواهد داد؛ این در حالی است که داستان اصلیِ اثری مانند *چهار درویش* از امیرخسرو دهلوی به‌مثابهٔ نخی است که داستان‌های درونه‌ای را به یک‌دیگر پیوند می‌دهد؛ چنان‌که بدون این داستان‌ها، داستان اصلی با فقدانی جدی مواجه می‌شود و در حقیقت منطق پیرنگ این داستان فرو خواهد ریخت.

جالب این‌جاست که پس از کشف چنین سامانه‌ای، به منزلهٔ قراردادِ نظریِ این پژوهش برای طبقه‌بندی انواع درونه‌گیری، تمایز پیش‌نهادشده از سوی میکی‌بال بین دو اصطلاح «درونه‌گیری» (embedding) و «قاب‌گیری» (framing) را با تمایزِ قائل‌شده از سوی این پژوهش بین درونه‌گیری‌های «شالوده‌ای» و «ترکیبی» قابل تطبیق یافتیم. نلز به نقل از بال، که برای توضیح این تمایز به مقایسهٔ *هزار و یک شب* و *زنبق دره* اثر بالزاک[1] پرداخته و می‌نویسد:

> گرچه اصطلاح «درونه‌گیری» برای هر اثری که شکل داستان در داستان دارد به کار می‌رود، پیش‌نهاد می‌کنم برای تعیین مرزهای دقیق این اصطلاح، آن را برای آثاری به کار بریم که در آن‌ها پیوستگیِ متقابل میان سطوح روایی برقرار است، مانند آن‌چه در *هزار و یک شب* شاهدیم؛ و اگر این پیوند تنها در یکی از دو سطح روایی روی دهد، به جای آن از اصطلاح «قاب‌گیری» استفاده نماییم. به این معنا که نقل حکایت درونه‌ای در گونهٔ «قاب‌گیری» نقشی در گسترش روایت مادر ایفا نمی‌نماید و میان این دو سطح، نه رابطه‌ای متقابل که رابطه‌ای یک‌سویه برقرار است (Cited Nelles, 1997: 127-128).

چنان‌که خواهیم دید در اغلب متون «ترکیبی»، بخش «ابزاری» حجم بیش‌تری از اثر را به خود اختصاص داده و از آن سو، معمولاً بخش «شالوده‌ای» عهده‌دار زیبایی‌بخشی و القای مفاهیم از سمت راوی/ نویسنده به روایت‌شنو/ خواننده شده است. بازهٔ زمانی

Archive of SID

www.SID.ir

مورد نظر در این نوع را به سه دوره تقسیم کرده‌ایم: قرن هفتم، قرن هشتم، و قرن نهم (و آغاز قرن دهم).

از بین درونه‌ای‌های ترکیبی منظومهٔ *گل و نوروز* خواجوی کرمانی انتخاب شد که چنین آغاز می‌شود:

سرایی‌بلبلانِ گلشنِ راز — چنین گفتند با مرغِ دلم باز
که شاهی بود در مُلک خراسان — به عهد باستان از نسل ساسان

(خواجوی کرمانی، ۱۳۷۰: ٤٨٩)

بخش درخور توجهی از این منظومه به شیوهٔ داستان در داستان است. شاهزاده «نوروز» هر بار با یکی از شخصیت‌های حکیم، مهران، و راهب وارد گفت‌وگو و داستان‌گویی‌های دوسویه می‌شود. هر کدام از این سه، به خواستهٔ پادشاه، می‌کوشند تا نوروز را از راهی شدن برای یافتن گل بازدارند. برای نمونه، حکیم پس از نصیحت کردن نوروز می‌گوید:

اگر خواهی بگویم داستانی — که هر حرفی از آن ارزد جهانی
بوَد کان بشنوی، عبرت بگیری — به خویش آیی و پندم درپذیری
چنین خواندم که در ایّامِ پیشین — وزیری بود با تعظیم و تمکین

(همان: ۵۰۹)

در پاسخ به این داستان، که بن‌مایهٔ مرکزی آن «بی‌وفایی زنان و موهوم بودن عشق» است، نوروز سرگذشت بهزاد و پریزاد را نقل می‌کند تا به «حکیم» ثابت کند وجود عشق حقیقی ممکن بوده و دست‌یابیِ به آن نیازمند شکیبایی و پایداری است. پس از آن‌که بی‌نتیجه بودن کوشش حکیم بر پادشاه روشن می‌شود، او یکی از نزدیکان خود با نام مهران را نزد نوروز می‌فرستد. مهران پس از ملامتِ شاهزاده، داستان مهر و مهربان را نقل می‌کند، دو دل‌باخته‌ای که پس از تحمل دشواری‌ها و مشقت‌های فراوان به وصال یک‌دیگر دست نیافتند. در این داستان، بسامد مکرر رویدادهای داستانی را شاهدیم، مثل جایی که وفادار، دوست مهربان، نزد مهر رفته و سپس شرح این ملاقات و دیده‌ها و شنیده‌های خویش را برای مهربان نقل می‌کند (همان: ٥٤٠). نوروز این بار در پاسخ، داستان کمال و جمال را پیش می‌کشد و در آن به تعریض، سرگذشت ملامت‌گویی را حکایت می‌کند که خود در پایان در دام عشق افتاده و هلاک می‌شود. راویِ آخرین داستان راهب است. نوروز خود به دیر رفته و برای گرفتن راهنمایی از او، داستانِ عشقش به گل را شرح می‌دهد. راهب

Archive of SID

www.SID.ir

داستان نصر و نصیر را با موضوع لزوم جوان‌مردی و بزرگ‌منشی حکایت می‌کند؛ نوروز پس از شنیدن این آخرین حکایت بی‌آن که در پاسخ داستانی نقل کند دیر را ترک می کند و به جست‌وجوی یارِ نادیده و ناشناخته عازم سفری دور و دراز می‌شود (همان: ۵۹۹).

در پایان این پژوهش که در آن کوشش شد تا حد امکان آثار ادبی مربوط به این دورهٔ زمانی از منظر شیوهٔ کاربرد شگرد روایی درونه‌گیری مورد مطالعه و پی‌جویی قرار گیرد، تا پژوهش‌گران برای مطالعات بیش‌تر حداقل فهرستی اولیه در دست داشته باشند چکیده‌ای از یافته‌ها را در جدولی نشان می‌دهیم.

جدول ۱. سیر انواع سه‌گانهٔ داستان‌های درونه‌ای

ردیف	نام اثر	نام نویسنده	قرن	منظوم یا منثور	نوع درونه‌گیری
۱	*شاهنامه*	فردوسی	٤	منظوم	ابزاری
۲	*شرح تعرّف*	مستملی بخاری	٤	منثور	ابزاری
۳	*یوسف و زلیخا*	فردوسی	٤	منظوم	ابزاری
٤	*ورقه و گلشاه*	عیّوقی	۵	منظوم	ابزاری
۵	*برزونامه*	عطایی رازی	۵	منظوم	ابزاری
٦. الف	*بیژن‌نامه*	عطایی رازی	۵	منظوم	ابزاری
٦. ب	*شهریارنامه*	مختاری غزنوی	۵	منظوم	ابزاری
۷	*گرشاسب‌نامه*	اسدی طوسی	۵	منظوم	ابزاری
۸	*داراب‌نامه*	ابوطاهر طرسوسی	۵	منظوم	ابزاری
۹	*ابومسلم‌نامه*	ابوطاهر طرسوسی	۵	منثور	ابزاری
۱۰	*فرامرزنامه*	؟	۵	منظوم	ابزاری
۱۱.الف	*بانوگشسب‌نامه*	؟	۵	منظوم	ابزاری
۱۱.ب	*علی‌نامه*	ربیع	۵	منظوم	ابزاری
۱۲	*مختارنامه*	؟	۵	منثور	ابزاری
۱۳	*قصّهٔ حمزه*	؟	٤–۷	منثور	ابزاری
۱٤	*کیمیای سعادت*	محمد غزالی	۵	منثور	ابزاری
۱۵	*کشف المحجوب*	جلّابی هجویری	۵	منثور	ابزاری
۱٦	*گنج‌نامه*	خواجه عبدالله انصاری	۵	منثور	ابزاری
۱۷	*کنزالسالکین*	خواجه عبدالله انصاری	۵	منثور	ابزاری
۱۸	*قلندرنامه*	خواجه عبدالله انصاری	۵	منثور	ابزاری
۱۹	*جلاء الخاطر*	عبدالقادر گیلانی	۵	منثور	ابزاری
۲۰	*رونق المجالس*	؟	۵	منثور	ابزاری

Archive of SID

www.SID.ir

۲۱	*بستان العارفین و تحفه المریدین*	؟	۵	منثور	ابزاری
۲۲	*قابوس‌نامه*	قابوس بن وشمگیر	۵	منثور	ابزاری
۲۳	*سیاست‌نامه*	خواجه نظام‌الملک طوسی	۵	منثور	ابزاری
۲٤	*پند پیران*	؟	۵	منثور	ابزاری
۲۵	*بهمن‌نامه*	ایرانشاه بن ابی الخیر	۵	منظوم	ابزاری
۲٦.الف	*کوش‌نامه*	ایرانشاه بن ابی الخیر	۵	منظوم	ابزاری
۲٦.ب	*کک‌کوه‌زاد*	؟	۵	منظوم	ابزاری
۲۷	*قصص الانبیا*	ابواسحاق نیشابوری	۵	منظوم	ابزاری
۲۸	*همای‌نامه*	؟	٦	منظوم	ابزاری
۲۹	*بحار الحقیقه*	شیخ احمد جام	٦	منثور	ابزاری
۳۰	*سراج السائرین*	شیخ احمد جام	٦	منثور	ابزاری
۳۱	*مفتاح النجات*	شیخ احمد جام	٦	منثور	ابزاری
۳۲	*کنوز الحکمه*	شیخ احمد جام	٦	منثور	ابزاری
۳۳	*حدیقة الحقیقه*	سنایی غزنوی	٦	منثور	ابزاری
۳٤	*مظهر العجایب*	عطار نیشابوری	٦	منظوم	ابزاری
۳۵	*مظهر*	عطار نیشابوری	٦	منظوم	ابزاری
۳٦	*خسرونامه*	عطار نیشابوری	٦	منظوم	ابزاری
۳۷	*جوهر الذات*	منسوب به عطار	٦	منظوم	ابزاری
۳۸	*اشترنامه*	منسوب به عطار	٦	منظوم	ابزاری
۳۹	*عجایب المخلوقات*	محمد بن احمد طوسی	٦	منثور	ابزاری
٤۰	*چهار مقاله*	نظامی عروضی	٦	منثور	ابزاری
٤۱	*مکارم اخلاق*	رضی‌الدین نیشابوری	٦	منثور	ابزاری
٤۲	*مقامات حمیدی*	قاضی حمیدالدین بلخی	٦	منثور	ابزاری
٤۳	*تحفه الملوک*	علی بن فقیه الاصفهانی	٦–۸	منثور	ابزاری
٤٤	*عجایب‌نامه*	محمد بن محمود همدانی	٦	منثور	ابزاری
٤۵	*هزار حکایت صوفیان*	؟	۵–٦	منثور	ابزاری
٤٦	*قصص الانبیا*	محمد اسعد تستری (شوشتری)	٦–۷	منثور	ابزاری
٤۷	*آواز پر جبرئیل*	شهاب‌الدین سهروردی	۷	منثور	ابزاری
٤۸	*روزی با جماعت صوفیان*	شهاب‌الدین سهروردی	۷	منثور	ابزاری
٤۹	*فی حاله الطفولیه*	شهاب‌الدین سهروردی	۷	منثور	ابزاری
۵۰	*فی حقیقه العشق*	شهاب‌الدین سهروردی	۷	منثور	ابزاری
۵۱	*عقل سرخ*	شهاب‌الدین سهروردی	۷	منثور	ابزاری
۵۲	*لغت موران*	شهاب‌الدین سهروردی	۷	منثور	ابزاری
۵۳	*بستان العقول*	زنگی بخاری	۷	منثور	ابزاری
۵٤	*زنگی‌نامه*	زنگی بخاری	۷	منثور	ابزاری
۵۵	*ارداویراف نامه*	زردشت بهرام پژدو	۷	منظوم	ابزاری

Archive of SID

www.SID.ir

٥٦	*قصص الانبیا*	؟	۷	منثور	ابزاری
٥٧	*برید السعاده*	محمد بن غازی ملطیوی	۷	منثور	ابزاری
٥٨	*آداب الحرب و الشجاعه*	فخر مدبّر (مبارکشاه)	۷	منثور	ابزاری
٥٩	*جوامع الحکایات*	محمد عوفی	۷	منثور	ابزاری
٦٠	*لطائف الحکمه*	سراج‌الدین ارموی	۷	منثور	ابزاری
٦١	*مجالس سبعه*	جلال‌الدین محمد مولوی	۷	منثور	ابزاری
٦٢	*فیه ما فیه*	جلال‌الدین محمد مولوی	۷	منثور	ابزاری
٦٣	*مقالات شمس*	شمس‌الدین تبریزی	۷	منثور	ابزاری
٦٤	*گلستان*	سعدی شیرازی	۷	منثور	ابزاری
٦٥	*بوستان*	سعدی شیرازی	۷	منظوم	ابزاری
٦٦	*مجالس پنج‌گانه*	سعدی شیرازی	۷	منثور	ابزاری
٦٧	*عشّاق‌نامه (ده‌نامه)*	فخرالدین عراقی	۷	منظوم	ابزاری
٦٨	*همایون‌نامه*	حکیم زجاجی	۷	منظوم	ابزاری
٦٩	*معارف*	سلطان ولد	۷	منثور	ابزاری
٧٠	*مخزن الاسرار*	نظامی گنجوی	۷	منظوم	ابزاری
٧١	*لیلی و مجنون*	نظامی گنجوی	۷	منظوم	ابزاری
٧٢	*مطلع الانوار*	امیرخسرو دهلوی	۷–۸	منظوم	ابزاری
٧٣	*مجنون و لیلی*	امیرخسرو دهلوی	۷–۸	منظوم	ابزاری
٧٤	*شیرین و خسرو*	امیرخسرو دهلوی	۷–۸	منظوم	ابزاری
٧٥	*آیینهٔ اسکندری*	امیرخسرو دهلوی	۷–۸	منظوم	ابزاری
٧٦	*دیوان*	حسن سنجری	۷–۸	منظوم	ابزاری
٧٧	*نزهه الارواح*	امیر حسینی غوری هروی	۷–۸	منثور	ابزاری
٧٨	*کمال‌نامه*	خواجوی کرمانی	۸	منظوم	ابزاری
٧٩	*همای و همایون*	خواجوی کرمانی	۸	منظوم	ابزاری
٨٠	*روضه الانوار*	خواجوی کرمانی	۸	منظوم	ابزاری
٨١	*سام‌نامه*	خواجوی کرمانی	۸	منظوم	ابزاری
٨٢	*روضهٔ خلد*	مجد خوافی	۸	منثور	ابزاری
٨٣	*نگارستان*	معین‌الدین جوینی	۸	منثور	ابزاری
٨٤	*مالابدّ منه فی الدین*	شیخ علاءالدولهٔ سمنانی	۸	منثور	ابزاری
٨٥	*العروه لاهل الخلوه و الجلوه*	شیخ علاءالدولهٔ سمنانی	۸	منثور	ابزاری
٨٦	*چهل مجلس(رسالهٔ اقبالیه)*	امیر اقبال سیستانی	۸	منثور	ابزاری
٨٧	*تحفه الاخوان*	عبدالرزاق کاشانی	۸	منثور	ابزاری
٨٨	*فتوّت‌نامه*	شهاب‌الدین عمر سهروردی	۸	منثور	ابزاری
٨٩	*فتوّت‌نامه*	نجم‌الدین زرکوب	۸	منثور	ابزاری
٩٠	*منظومهٔ باباکوهی*	شرف‌الدین رامی	۸	منظوم	ابزاری
٩١	*روضه المحبین*	ابن عماد	۸	منظوم	ابزاری

Archive of SID

www.SID.ir

۹۲	*مصابیح القلوب*	شیعی سبزواری	۸	منثور	ابزاری
۹۳	*مهر و مشتری*	عصّار تبریزی	۸	منظوم	ابزاری
۹٤	*فرج بعد از شدّت*	حسین بن اسعد دهستانی	۸	منثور	ابزاری
۹۵	*طریقت‌نامه*	عمادالدین فقیه کرمانی	۸	منظوم	ابزاری
۹٦	*جمشید و خورشید*	سلمان ساوجی	۸	منظوم	ابزاری
۹۷	*فرهادنامه*	عارف اردبیلی	۸	منظوم	ابزاری
۹۸	*عقل و عشق (مناظرات خمس)*	صائن‌الدین ترکهٔ اصفهانی	۸–۹	منثور	ابزاری
۹۹	*سلک السلوک*	ضیاءالدین نخشبی	۸	منثور	ابزاری
۱۰۰	*داراب‌نامه*	محمد بیغمی	۹	منثور	ابزاری
۱۰۱	*حسن و دل*	محمد سیبک نیشابوری	۹	منظوم	ابزاری
۱۰۲	*شرح الکنوز وبحر الرموز*	پیرجمال اردستانی	۹	منظوم	ابزاری
۱۰۳	*مصباح الارواح*	پیرجمال اردستانی	۹	منظوم	ابزاری
۱۰٤	*تنبیه العارفین*	پیرجمال‌اردستانی	۹	نثر و نظم	ابزاری
۱۰۵	*محبوب الصدّیقین*	پیرجمال اردستانی	۹	نثر و نظم	ابزاری
۱۰٦	*ناظر و منظور*	پیرجمال اردستانی	۹	منظوم	ابزاری
۱۰۷	*نور علی نور*	پیرجمال اردستانی	۹	نثر و نظم	ابزاری
۱۰۸	*مفتاح الفقر*	پیرجمال اردستانی	۹	نثر و نظم	ابزاری
۱۰۹	*مشکوه المحبّین*	پیرجمال اردستانی	۹	نثرونظم	ابزاری
۱۱۰	*مهرافروز*	پیرجمال اردستانی	۹	نثرونظم	ابزاری
۱۱۱	*نصرت‌نامه*	پیرجمال اردستانی	۹	منظوم	ابزاری
۱۱۲	*خاورنامه*	ابن حسام خوسفی	۹	منثور	ابزاری
۱۱۳	*انیس الناس*	شجاع	۹	منثور	ابزاری
۱۱٤	*اسرار الشهود*	محمد اسیری لاهیجی	۹	منظوم	ابزاری
۱۱۵	*المصباح*	رشیدالدین محمد بیدوندی	۹	منظوم	ابزاری
۱۱٦	*اخلاق محسنی*	کاشفی سبزواری	۹	منثور	ابزاری
۱۱۷	*ینبوع الاسرار فی نصایح الابرار*	کمال‌الدین خوارزمی	۹	منثور	ابزاری
۱۱۸	*یوسف و زلیخا*	خواجه مسعود قمی	۹	منظوم	ابزاری
۱۱۹	*شمس و قمر*	خواجه مسعود قمی	۹	منظوم	ابزاری
۱۲۰	*بهارستان*	عبدالرحمان جامی	۹	منثور	ابزاری
۱۲۱	*سلسله الذهب*	عبدالرحمان جامی	۹	منظوم	ابزاری
۱۲۲	*سلامان و ابسال*	عبدالرحمان جامی	۹	منظوم	ابزاری
۱۲۳	*تحفه الاحرار*	عبدالرحمان جامی	۹	منظوم	ابزاری
۱۲٤	*سبحه الابرار*	عبدالرحمان جامی	۹	منظوم	ابزاری
۱۲۵	*یوسف و زلیخا*	عبدالرحمان جامی	۹	منظوم	ابزاری
۱۲٦	*لیلی و مجنون*	عبدالرحمان جامی	۹	منظوم	ابزاری
۱۲۷	*خردنامهٔ اسکندری*	عبدالرحمان جامی	۹	منظوم	ابزاری

Archive of SID

www.SID.ir

۱۲۸	*لیلی و مجنون*	مکتبی شیرازی	۹	منظوم	ابزاری
۱۲۹	*کلیله و دمنه*	نصرالله منشی	٦	منثور	شالوده‌ای
۱۳۰	*داستان‌های بیدپای*	محمد بن عبدالله بخاری	۷–٦	منثور	شالوده‌ای
۱۳۱	*سندبادنامه*	ظهیری سمرقندی	٦(؟)	منثور	شالوده‌ای
۱۳۲	*راحة الارواح فی سرور المفراح*	محمد دقایقی مروزی	٦	منثور	شالوده‌ای
۱۳۳	*منطق‌الطیر*	عطار نیشابوری	٦	منظوم	شالوده‌ای
۱۳٤	*مصیبت‌نامه*	عطار نیشابوری	٦	منظوم	شالوده‌ای
۱۳۵	*الهی‌نامه*	عطار نیشابوری	٦	منظوم	شالوده‌ای
۱۳٦	*بلبل‌نامه*	منسوب به عطار	٦	منظوم	شالوده‌ای
۱۳۷	*روضة‌العقول*	محمد غازی ملطیوی	۷(؟)	منثور	شالوده‌ای
۱۳۸	*مرزبان‌نامه*	سعدالدین وراوینی	۷	منثور	شالوده‌ای
۱۳۹	*مثنوی معنوی*	جلال‌الدین محمد مولوی	۷	منظوم	شالوده‌ای
۱٤۰	*ولدنامه*	سلطان ولد	۷	منظوم	شالوده‌ای
۱٤۱	*کلیله و دمنهٔ منظوم*	قانعی طوسی	۷	منظوم	شالوده‌ای
۱٤۲	*فرائد السلوک*	(؟) ملقّب به شمس	۷	منثور	شالوده‌ای
۱٤۳	*چهار درویش*	امیرخسرو دهلوی	۸–۷	منثور	شالوده‌ای
۱٤٤	*سندبادنامهٔ منظوم*	عضد یزدی	۸	منظوم	شالوده‌ای
۱٤۵	*جواهر الاسمار*	محمد ثغری	۸	منثور	شالوده‌ای
۱٤٦	*طوطی‌نامه*	ضیاءالدین نخشبی	۸	منثور	شالوده‌ای
۱٤۷	*حکایت معصوم شاه (گلریز)*	ضیاءالدین نخشبی	۸	منثور	شالوده‌ای
۱٤۸	*بلوهر و بیوذسف (بوذاسف)*	نظام تبریزی (شامی)	۸	منثور	شالوده‌ای
۱٤۹	*هفت کشور و سفرهای ابن‌تراب*	؟	۱۰–۸	منثور	شالوده‌ای
۱۵۰	*عجائب البخت*	؟	۹	منثور	شالوده‌ای
۱۵۱	*انوار سهیلی*	ملاحسین واعظ کاشفی	۹	منثور	شالوده‌ای
۱۵۲	*کنز الدقایق*	پیرجمال اردستانی	۹	منظوم	شالوده‌ای
۱۵۳	*داستان سلیم جواهری*	؟	تا ۱۰	منثور	شالوده‌ای
۱۵٤	*رعنا و زیبا*	برخوردار بن ترکمان فراهی	۱۰	منثور	شالوده‌ای
۱۵۵	*شمسه و قهقهه*	برخوردار بن ترکمان فراهی	۱۰	منثور	شالوده‌ای
۱۵٦	*خسرو و شیرین*	نظامی گنجوی	۷	منظوم	ترکیبی
۱۵۷	*هفت‌پیکر*	نظامی گنجوی	۷	منظوم	ترکیبی
۱۵۸	*اسکندرنامه*	نظامی گنجوی	۷۸–۵۸–۷	منظوم	ترکیبی
۱۵۹	*اسکندرنامهٔ منثور*	؟	۸	منثور	ترکیبی
۱٦۰	*هشت بهشت*	امیرخسرو دهلوی	۹	منظوم	ترکیبی
۱٦۱	*گل و نوروز*	خواجوی کرمانی		منظوم	ترکیبی
۱٦۲	*جمال و جلال*	محمد نزل‌آبادی		منظوم	ترکیبی

Archive of SID

www.SID.ir

بسامد به‌کارگیری این سه گونه درونه‌گیری در دورهٔ مورد بحث (با اغماض در به شمار آوردن برخی آثار بدون تاریخ قطعی و نیز چند اثر از آغاز قرن دهم) را می‌توان در سه نمودار ذیل مستقلاً تبیین کرد. گفتنی است از آن‌جا که این پژوهش به هیچ وجه ادعای بررسی همهٔ نمونه‌های ممکن را ندارد، این نمودارهای آماری فقط می‌توانند شمایی کلی از بسامد آثار به دست دهند. ضمن آن‌که می‌دانیم چنین نمودارهایی را به سادگی و بدون توجه به شاخص‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی هر دوره نمی‌توان و نباید تحلیل کرد.

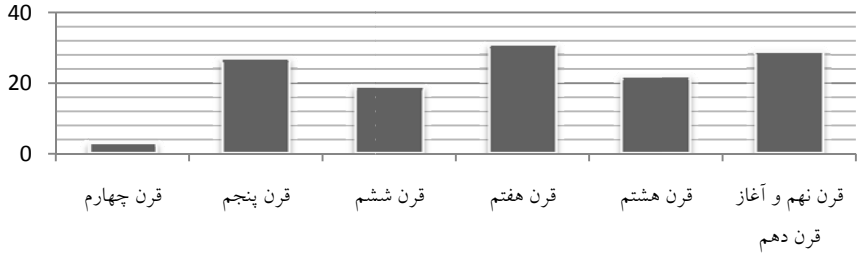

نمودار ۱. بسامد درونه‌گیری‌های ابزاری (در مجموع ۱۲۸ اثر)

نمودار ۲. بسامد درونه‌گیری‌های شالوده‌ای (در مجموع ۲۷ اثر)

نمودار ۳. بسامد درونه‌گیری‌های ترکیبی (در مجموع ۷ اثر)

www.SID.ir

۶. نتیجه‌گیری

بررسی سیر داستان‌های درونه‌ای در شاخهٔ روایت‌مدار نشان می‌دهد که این نوع داستان محدود و منحصر به یک گونهٔ خاص نیست و در طیف وسیعی از گونه‌های داستانی حضور دارد. در این پژوهش سه قسم داستان درونه‌ای کشف شد که آن‌ها را ابزاری، شالوده‌ای، و ترکیبی می‌نامیم. درونه‌ای ابزاری شگردی صرفاً کارآمد برای القای مفاهیم و نیز افزودن بر طول و جذابیت متن است؛ درونه‌ای شالوده‌ای مبنای پیکربندی، طرح‌افکنیِ اثر، و پدیده‌ای شاکله‌ساز است که با محتوا یکی می‌شود، به آن معنا می‌بخشد، و انسجامی هنری می‌آفریند. گروه سوم نیز ترکیبی از دو نوع مذکور است. بر اساس نمودارهای مذکور، در این بازهٔ زمانیِ مورد مطالعه درونه‌گیری‌های ابزاری در مجموع ۱۲۸ اثر است که در متون داستانیِ قرون هفتم، نهم، و پنجم بیش از دوره‌های دیگر است؛ بسامد درونه‌گیری‌های شالوده‌ای در مجموع ۲۷ اثر است که در قرن ششم به اوج خود می‌رسد و درونه‌گیری‌های ترکیبی نیز هفت اثر است که در قرن هفتم به اوج خود می‌رسد.

این پژوهش به سبب ارائهٔ فهرستی نسبتاً کامل از متونی که شگرد داستان درونه‌ای در آن‌ها به شیوه‌های گوناگون به کار رفته است، می‌تواند درآمدی راه‌گشا برای مطالعات بیش‌تر دربارهٔ شگرد داستان درونه‌ای باشد. در شناسایی و معرفی سیر تاریخیِ داستان‌های درونه‌ای تلاش شده تا آن‌جا که ممکن است پژوهش‌گران بعدی را در فرایند دشوار جست‌وجو بین انبوه آثار فارسی یاری داده و نیز الگویی برای پی‌گیری این سیر در دوره‌های دیگر تاریخی و حتی کامل‌تر کردن فهرست آثار مربوط به همین بازهٔ زمانی ارائه کنیم. پیش‌نهاد این پژوهش برای مطالعات بعدی بررسی تاریخی تطور شکل‌های روایی و به‌ویژه شکل داستان در داستان در آثار فارسی است.

منابع

آربری، آرتور جان (۱۳۷۱). *ادبیات کلاسیک فارسی*، ترجمهٔ اسدالله آزاد، مشهد: آستان قدس رضوی.

آیدنلو، سجاد (۱۳۸۸). *متون منظوم پهلوانی*، تهران: سمت.

اته، هرمان (۱۳۳۷). *تاریخ ادبیات فارسی*، ترجمهٔ صادق رضازادهٔ شفق، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

اردستانی، پیر جمال‌الدین محمد (۱۳۸۰). *مصباح الارواح*، تصحیح سید ابوطالب میرعابدینی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

اردستانی، پیر جمال‌الدین محمد (۱۳۸۸). *شرح الکنوز و بحر الرموز*، تصحیح امید سروری، تهران: کتاب‌خانهٔ موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

Archive of SID

www.SID.ir

اردستانی، پیر جمال‌الدین محمد (۱۳۸۹). *رسایل*، (دفتر اول و دوم)، تصحیح امید سروری، تهران: کتاب خانهٔ موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
ارموی، سراج‌الدین محمود (۱۳۵۱). *لطائف الحکمة*، تصحیح غلام‌حسین یوسفی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۱۷). *گرشاسب‌نامه*، تصحیح حبیب یغمایی، تهران: بروخیم.
اسکندرنامه (۱۳۸۹). جمع‌آورنده و تحریرکنندهٔ نخستین: عبدالکافی بن ابی البرکات، تصحیح ایرج افشار، تهران: چشمه.
اسیری لاهیجی، شیخ محمد (۱۳٦۵). *مثنوی اسرار الشهود*، تصحیح برات زنجانی، تهران: امیرکبیر.
اصفهانی، علی بن ابی‌حفص بن فقیه محمود (۱۳۸۲). *تحفة الملوک*، تصحیح علی‌اکبر احمدی دارانی، تهران: میراث مکتوب.
امیرحسینی غوری هروی (بی‌تا). *نزهة الارواح*، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: زوار.
انصاری، خواجه عبدالله بن محمد (۱۳۷۲). *مجموعه رسائل خواجه عبدالله انصاری*، ج ۱ و ۲، تصحیح محمد سرور مولایی، تهران: توس.
انصاری، خواجه عبدالله بن محمد (۱۳۸۸). *گنج‌نامه*، گردآوری و تصحیح جمعی از ارادت‌مندان پیر هرات، هرات: احراری.
ایرانشاه بن ابی الخیر (۱۳۷۰). *بهمن‌نامه*، تهران: علمی و فرهنگی.
ایرانی، ناصر (۱۳۸۰). *هنر رمان*، تهران: آبانگاه.
باباصفری، علی‌اصغر (۱۳۹۲). *فرهنگ داستان‌های عاشقانه در ادب فارسی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
بامشکی، سمیرا (۱۳۹۱). *روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی*، تهران: هرمس.
بخاری، محمد بن عبدالله (۱۳٦۱). *داستان‌های بیدپای*، تصحیح پرویز ناتل خانلری و محمد روشن، تهران: خوارزمی.
براون، ادوارد (۱۳۳۳). *تاریخ ادبی ایران، از قدیم‌ترین روزگار تا زمان فردوسی*، ترجمهٔ علی‌پاشا صالح، تهران: [بی‌نا].
برتلس، یوگنی ادواردویچ (۱۳۷٤). *تاریخ ادبیات فارسی*، ترجمهٔ سیروس ایزدی، تهران: امیرکبیر.
بلخی، قاضی حمیدالدین (۱۳٦۲). *مقامات حمیدی*، تهران: شرکت ترجمه و نشر بین‌الملل.
بوشنجی، شیخ ابوالحسن بن هیصم (۱۳۸٤). *قصص الانبیا*، ترجمهٔ محمد بن اسعد بن عبدالله حنفی تستری، تصحیح سیدعباس محمدزاده، مشهد: مؤسسهٔ دانشگاه فردوسی مشهد.
بهار، محمدتقی (۱۳۳٤). *تاریخ تطور شعر فارسی*، به کوشش تقی بینش، تهران: باستان.
بهرام پژدو، زرتشت (۱۳٤۳). *ارداویراف‌نامهٔ منظوم*، تصحیح رحیم عفیفی، مشهد: دانشگاه مشهد.
بیدوندی، رشیدالدین محمد (۱۳۸۰). *مثنوی المصباح، در محبت، فنا، و نیاز*، تصحیح جواد حامدی حق، تهران: شریف.
بیغمی، محمد بن احمد (۱۳۳۹). *داراب‌نامه*، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

Archive of SID

www.SID.ir

بیغمی، محمد بن احمد (۱۳۸۸). *فیروزشاه‌نامه (دنبالهٔ داراب‌نامه)*، تصحیح ایرج افشار و مهران افشاری، تهران: چشمه.
بیهقی، ابوالفضل (۱۳۸۳). *تاریخ بیهقی*، تصحیح علی‌اکبر فیاض، مشهد: دانشگاه فروسی مشهد.
پند پیران (۱۳۵۷). تصحیح جلال متینی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
تبریزی، شمس‌الدین محمد (۱۳۵٦). *مقالات شمس تبریزی*، به تصحیح محمدعلی موحد، تهران: انتشارات علمی دانشگاه صنعتی.
ترکهٔ اصفهانی، صائن‌الدین علی بن محمد (۱۳۷۵). *عقل و عشق (مناظرات خمس)*، تصحیح اکرم جودی نعمتی، تهران: میراث مکتوب.
ترکمان فراهی، برخوردار بن محمود (۱۳۳٦). *شمسه و قهقهه (محبوب القلوب)*، تهران: امیرکبیر.
توکلی، حمیدرضا (۱۳۸۹). *از اشارت‌های دریا، بوطیقای روایت در مثنوی*، تهران: مروارید.
جام نامقی (ژنده‌پیل)، احمد (۱۳٤۷). *مفتاح النجات*، تصحیح علی فاضل، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
جام نامقی (ژنده‌پیل)، احمد (۱۳۵۰). *انس التائبین و صراط الله المبین*، تصحیح علی فاضل، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
جام نامقی (ژنده‌پیل)، احمد (۱۳۸۷). *کنوز الحکمة*، تصحیح علی فاضل، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
جام نامقی (ژنده‌پیل)، احمد (۱۳۸۹). *بحار الحقیقه*، به تصحیح حسن نصیری جامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
جام نامقی (ژنده‌پیل)، احمد (۱۳۸۹). *سراج السائرین*، تصحیح حسن نصیری جامی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
جامی، نورالدین عبدالرحمان بن احمد (۱۳۳۷). *مثنوی هفت اورنگ*، تصحیح آقامرتضی مدرس گیلانی، تهران: سعدی.
جامی، نورالدین عبدالرحمان بن احمد (۱۳٦۷). *بهارستان*، تصحیح اسماعیل حاکمی، تهران: اطلاعات.
جعفری (قنواتی)، محمد (۱۳۸۷). *دو روایت از سلیم جواهری*، تهران: مازیار.
جلابی هجویری غزنوی، ابی‌الحسن علی بن عثمان بن ابی علی (۱۳٦۳). *کشف المحجوب*، تصحیح والنتین ژوکوفسکی، [بی‌جا].
حسینی، محمد (۱۳۸۲). *ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن*، تهران: ققنوس.
حکیم زجاجی (۱۳۸۳). *همایون‌نامه*، تصحیح علی پیرنیا، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
خراسانی، ابن عماد (۱۳۱٤). *روضة المحبین (ده‌نامه)*، تهران: سپهر.
خطیبی، حسین (۱۳٦٦). *فن نثر در ادب پارسی*، تهران: زوار.
خواجوی کرمانی (۱۳۷۰). *خمسهٔ خواجوی کرمانی*، تصحیح سعید نیاز کرمانی، کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
خواجوی کرمانی (۱۳۸٦). *سام‌نامه*، تصحیح میترا مهرآبادی، تهران: دنیای کتاب.
خوارزمی، کمال‌الدین حسین (۱۳٦۰). *ینبوع الاسرار فی نصائح الابرار*، تصحیح مهدی درخشان، تهران: انجمن استادان زبان و ادبیات فارسی.

Archive of SID

www.SID.ir

خوسفی، ابن حسام (بی‌تا). *خاورنامه، شامل جنگ‌های مولای متقیان علیه‌السلام و ...* [بی‌جا]: محمدحسن علمی.
دزفولیان، کاظم (۱۳۹۰). *فهرست‌وارهٔ تاریخ ادبیات ایران*، تهران: طلایه.
دقایقی مروزی، شمس‌الدین محمد (۱۳٤٥). *راحة الارواح فی سرور المفراح (بختیارنامه)*، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: دانشگاه تهران.
دوبرو، هدر (۱۳۸۹). *ژانر*، ترجمهٔ فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
دهستانی، حسین بن اسعد (۱۳۸۸). *فرج بعد از شدت*، تصحیح محمد قاسم‌زاده، تهران: نیلوفر.
دهلوی، امیرخسرو (۱۳٦۲). *خمسهٔ امیرخسرو دهلوی*، تصحیح امیراحمد اشرفی، تهران: شقایق.
دهلوی، امیرخسرو (بی‌تا). *چهار درویش*، لاهور: اسلامیه.
رامی، شرف‌الدین محمد بن حسن (۱۳۷٦). *انیس العشاق و چند اثر دیگر*، به اهتمام محسن کیانی (میرا)، تهران: روزنه.
ربیع (۱۳۸۹). *علی‌نامه*، تصحیح رضا بیات و ابوالفضل غلامی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
رسایل جوان‌مردان: مشتمل بر هفت فتوت‌نامه (۱۳۵۲). تصحیح مرتضی صراف، تهران: قسمت ایران‌شناسیِ انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران.
رضازادهٔ شفق، صادق (۱۳۱۳). *تاریخ ادبیات ایران*، تهران: علی‌اکبر سلیمی.
ریپکا، یان (۱۳٦٤). *ادبیات ایران در زمان سلجوقیان و مغولان*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: گستر.
زرقانی، مهدی (۱۳۸۸). *تاریخ ادبی ایران و قلمرو زبان فارسی: تطور و دگردیسی ژانرها تا میانهٔ سدهٔ پنجم*، تهران: سخن.
زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). *از گذشتهٔ ادبی ایران*، تهران: سخن.
زنگی بخاری، محمد (۱۳۷۲). *زنگی‌نامه*، تصحیح ایرج افشار، تهران: توس.
زنگی بخاری، محمد (۱۳۷٤). *بستان العقول فی ترجمان المنقول*، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
ساوجی، سلمان بن محمد (۱۳٤۸). *مثنوی جمشید و خورشید*، به تصحیح ج. پ. آسموسن و فریدون وهمن، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
سعدی، مصلح‌الدین (۱۳۸۵). *کلیات سعدی*، تصحیح محمدعلی فروغی، تهران: هرمس.
سلطان‌ولد (۱۳٦۷). *معارف*، کوشش نجیب مایل هروی، تهران: مولی.
سلطان‌ولد (۱۳۷٦). *ولدنامه*، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: هما.
سمنانی، احمد بن محمود علاءالدوله (۱۳٦۲). *العروة لاهل الخلوة و الجلوة*، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: مولی.
سمنانی، احمد بن محمود علاءالدوله (۱۳٦۹). *مصنفات فارسی*، تصحیح نجیب مایل هروی، تهران: علمی و فرهنگی.
سنایی غزنوی، ابوالمجدود بن آدم (۱۳۷٤). *حدیقة الحقیقه و شریعة الطریقة*، تصحیح مدرس رضوی، تهران: دانشگاه تهران.

Archive of SID

www.SID.ir

سنجری دهلوی، حسن (۱۳۵۲). *دیوان حسن سنجری دهلوی*، تصحیح مسعودعلی محوی، دکن: ابراهیمیهٔ حیدرآباد.
سهروردی، شهاب‌الدین یحیی (۱۳٤۸). *مجموعهٔ آثار فارسی شیخ اشراق، مجموعهٔ مصنفات سهروردی*، تصحیح سیدحسین نصر، ج ۳، تهران: قسمت ایران‌شناسی انستیتوی فرانسوی پژوهش‌های علمی در ایران.
سیستانی، امیراقبال (۱۳۵۸). *چهل مجلس شیخ علاءالدولهٔ سمنانی*، تصحیح عبدالرفیع حقیقت، (بی‌جا): شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
شجاع (۱۳۵۰). *انیس الناس*، تصحیح ایرج افشار، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۲). «انواع ادبی و شعر فارسی»، *خرد و کوشش*، ش ۱۱ و ۱۲.
شمس (۱۳٦۸). *فرائد السلوک*، تصحیح نورانی وصال و غلامرضا افراسیابی، تهران: پاژنگ.
شیعی سبزواری، ابوسعید حسن بن حسین (۱۳٤۷). *مصابیح القلوب*، تصحیح محمد سپهری، تهران: میراث مکتوب.
صفا، ذبیح‌الله (۱۳٤۷). *نثر فارسی از آغاز تا عهد نظام‌الملک طوسی*، تهران: ابن‌سینا.
صفا، ذبیح‌الله (۱۳٦۹). *تاریخ ادبیات در ایران*، تهران: امیرکبیر.
صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷٤). *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: فردوسی.
طرسوسی، ابوطاهر بن علی بن حسین (۱۳۷٤). *داراب‌نامه*، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: علمی و فرهنگی.
طرسوسی، ابوطاهر بن علی بن حسین (۱۳۸۰). *ابومسلم‌نامه*، تصحیح حسین اسماعیلی، تهران: معین، قطره و انجمن ایران‌شناسی فرانسه در ایران.
طرسوسی، ابوطاهر بن علی بن حسین (بی‌تا). *ابومسلم‌نامه*، تصحیح اقبال یغمایی، تهران: گوتنبرگ.
طوسی، خواجه نظام‌الملک (۱۳٦٤). *سیاست‌نامه (سیر الملوک)*، تصحیح جعفر شعار، تهران: چاپ‌خانهٔ سپهر.
طوسی، محمد بن محمود بن احمد (۱۳۸۲). *عجایب المخلوقات*، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
ظهیری سمرقندی، محمد بن علی بن محمد (۱۹٤۸). *سندبادنامه*، تصحیح احمد آتش، استانبول: وزارت فرهنگ.
عارف اردبیلی (۱۳۵۵). *فرهادنامه*، تصحیح عبدالرضا آذر، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
عجائب البخت (۱۳٤۷). تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: دانشگاه تهران.
عراقی، فخرالدین ابراهیم (۱۳۳۵). *کلیات شیخ فخرالدین ابراهیم همدانی متخلص به عراقی*، تصحیح سعید نفیسی، تهران: سنایی.
عصار تبریزی، شمس‌الدین محمد (۱۳۷۵). *مهر و مشتری*، تصحیح رضا مصطفوی سبزواری، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
عضد یزدی (۱۳۸۱). *سندبادنامهٔ منظوم*، تصحیح محمدجعفر محجوب، تهران: توس.
عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۱۲). *بلبل‌نامه*، [بی‌جا]: محمدمهدی قاضی سعیدی.
عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳٤۵). *مظهر العجایب*، تصحیح احمد خوشنویس، تهران: سنایی.

Archive of SID

www.SID.ir

عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۵۵). *خسرونامه*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: زوار.
عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۷٦). *مجموعه‌ای از آثار شیخ فریدالدین عطار نیشابوری*، تصحیح احمد خوشنویس، تهران: سنایی.
عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۸۳). *جوهر الذات*، تصحیح تیمور برهان لیمودهی، تهران: سنایی.
عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۸٤). *الهی‌نامه، پندنامه، و اسرارنامه*، تهران: دُر.
عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۸٦). *مصیبت‌نامه*، تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: سخن.
عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین (۱۳۸۸). *منطق الطیر*، تصحیح رضا انزابی‌نژاد و سعیدالله قره‌بگلو، تبریز: آیدین.
عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین [بی‌تا]. *اشترنامه*، به کوشش مهدی محقق، [بی‌جا]: انجمن آثار ملی.
عطایی رازی (خوجه عمید عطاء بن یعقوب) (۱۳۸۲). *برزونامه*، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
عنصرالمعالی، کیکاووس بن اسکندر (۱۳٤۲). *قابوس‌نامه (نصیحت‌نامه)*، تصحیح امین عبدالمجید هروی، تهران: ابن‌سینا.
عوفی، سدیدالدین محمد (۱۳۵۲). *جوامع الحکایات و لوامع الروایات*، جلد اول از قسم سوم، تصحیح بانو مصفا (کریمی)، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
عیوقی (۱۳٤۳). *ورقه و گلشاه*، تصحیح ذبیح‌الله صفا، تهران: دانشگاه تهران.
غزالی، محمد (۱۳٦۱). *کیمیای سعادت*، تصحیح حسین خدیوجم، تهران: علمی و فرهنگی.
غلامرضایی، محمد (۱۳۸۸). *سبک‌شناسی نثرهای صوفیانه: از اوایل قرن پنجم تا اوایل قرن هشتم*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
فاضل، علی (۱۳۷۳). *شرح احوال و نقد و تحلیل آثار احمد جام*، تهران: توس.
فتاحی نیشابوری (۱۳۸٦). *حسن و دل*، تصحیح حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو، تهران: چشمه.
فخر مدبر، محمد بن منصور (۱۳٤٦). *آداب الحرب و الشجاعة*، تصحیح احمد سهیلی خوانساری، تهران: اقبال.
فردوسی، ابوالقاسم (۱۳٦۹). *یوسف و زلیخا*، به اهتمام حسین محمدزادهٔ صدیق، تهران: آفرینش.
فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۲). *شاهنامه*، بر اساس چاپ مسکو، تهران: هرمس.
فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۵۰). *سخن و سخنوران*، تهران: خوارزمی.
فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات ایران (بعد از اسلام تا پایان تیموریان)*، به کوشش عنایت‌الله مجیدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
قانعی طوسی، احمد (۱۳۵۸). *کلیله و دمنهٔ منظوم*، تصحیح ماگالی تودوآ، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
قصهٔ حمزه (۱۳٤۷). تصحیح جعفر شعار، تهران: دانشگاه تهران.
قصص الانبیا (۱۳٦۳). تصحیح فریدون تقی‌زادهٔ طوسی، مشهد: باران.
قمی، خواجه مسعود (۱۳٦۹). *یوسف و زلیخا و شمس و قمر*، تصحیح سیدعلی آل‌داود، تهران: آفرینش.
قیام مختار ثقفی (مختارنامه) (۱۳٦۸). تصحیح محمد چنگیزی، تهران: رجا.

Archive of SID

www.SID.ir

کرمانی، خواجه عمادالدین بن فقیه (۱۳۷٤). *طریقت‌نامه*، تصحیح رکن‌الدین همایون فرخ، تهران: اساطیر.
کک کوهزاد (۱۳۸۳). تصحیح احمد ابومحبوب، تهران: نغمهٔ زندگی.
گالادزه، اینگا (۱۳۵۸). «داستان‌های رمان‌مانند در زبان فارسی»، *آینده*، ش ٤، ٥، و ٦.
گیلانی، عبدالقادر (۱۳۷٦). *جلاء الخاطر*، تصحیح شیخ محمد کسنزانی، سنندج: کردستان.
لمعة السراج لحضرة التاج (بختیارنامه) (۱۳٤۸). تصحیح محمد روشن، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
مجد خوافی (۱۳۸۹). *روضهٔ خلد*، تصحیح عباسعلی وفایی، تهران: سخن.
محجوب، محمدجعفر (۱۳٤۲). «مثنوی‌سرایی در زبان فارسی تا پایان قرن پنجم هجری»، مجلهٔ *دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی تبریز*، ش ٦٦.
مختاری غزنوی، عثمان (۱۳۷۷). *شهریارنامه*، به کوشش غلامحسین بیگدلی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
مستملی بخاری، ابوابراهیم اسماعیل بن محمد (۱۳٦۲). *شرح التعرف لمذهب التصوف*، تصحیح محمد روشن، تهران: اساطیر.
معینی جوینی [بی‌تا]. *نگارستان*، موجود در مخزن مخطوطات کتاب‌خانهٔ آستان قدس رضوی، ش ۸٤۱٤
مکتبی شیرازی (۱۳۸۹). *لیلی و مجنون*، به کوشش حسن ذوالفقاری و پرویز ارسطو، تهران: چشمه.
ملطیوی، محمد بن غازی (۱۳۵۱). *برد السعادة*، به کوشش محمد شیروانی، تهران: دانشگاه تهران.
ملطیوی، محمد بن غازی (۱۳۸۳). *روضة العقول*، تصحیح جلیل نظری، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.
منتخب رونق المجالس و بستان العارفین و تحفة المریدین (۱۳۵٤). تصحیح احمدعلی رجایی، تهران: دانشگاه تهران.
منشی، ابوالمعالی نصرالله (۱۳۷٤). *کلیله و دمنه*، تصحیح محمد روشن، تهران: اشرفی.
موریسن، جرج و دیگران (۱۳۸۰). *تاریخ ادبیات ایران از آغاز تا امروز*، ترجمهٔ یعقوب آژند، تهران: گستره.
مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۷۸). *مثنوی معنوی*، تصحیح ناهید فرشادمهر، تهران: محمد.
مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۷۹). *مکتوبات و مجالس سبعه*، با مقدمهٔ جواد سلماسی‌زاده، تهران: اقبال.
مولوی، جلال‌الدین محمد بن محمد (۱۳۸٦). *فیه ما فیه*، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، تهران: زوار.
میرصادقی، جمال (۱۳٦٦). *ادبیات داستانی: قصه، داستان کوتاه، رمان*، تهران: شفا.
نخشبی، ضیاء (۱۹۱۲). *حکایت معصوم‌شاه*، شمارهٔ ثبت در کتاب‌خانهٔ آستان قدس رضوی: ۲۰۵۲٦، کلکته: [بی‌نا].
نخشبی، ضیاءالدین (۱۳٦۹). *سلک السلوک*، تصحیح غلامعلی آریا، تهران: زوار.
نخشبی، ضیاءالدین (۱۳۷۲). *طوطی‌نامه*، تصحیح فتح‌الله مجتبایی و غلامعلی آریا، تهران: منوچهری.
نزل‌آبادی، محمد (۱۳۸۲). *مثنوی جمال و جلال*، تصحیح شکوفه قبادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
نظام تبریزی (شامی)، علی بن محمد (۱۳۸۱). *بلوهر و بیوذسف*، تصحیح محمد روشن، تهران: میراث مکتوب.

Archive of SID

www.SID.ir

نظامی عروضی سمرقندی، احمد بن عمر (۱۳۸۸). *چهار مقاله و تعلیقات*، تصحیح محمد معین، تهران: صدای معاصر.

نظامی گنجوی، نظام‌الدین الیاس (۱۳۸۷). *خمسهٔ نظامی* (بر اساس چاپ آکادمی علوم آذربایجان)، تهران: هرمس.

نعری، عماد بن محمد (۱۳۵۲). *طوطی‌نامه: جواهر الاسمار*، تصحیح شمس‌الدین آل احمد، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

نیشابوری، ابواسحاق ابراهیم بن منصور بن خلف (۱۳٤۰). *قصص الانبیا*، به اهتمام حبیب یغمائی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

نیشابوری، رضی‌الدین ابوجعفر محمد (۱۳٤۱). *مکارم اخلاق (در دو رساله در اخلاق)*، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: دانشگاه تهران.

واعظ کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۳٦). *انوار سهیلی*، تهران: امیرکبیر.

واعظ کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۵۸). *اخلاق محسنی*، تهران: کتاب‌خانهٔ علمیهٔ حامدی.

وراوینی، سعدالدین (۱۳۷٦). *مرزبان‌نامه*، تصحیح محمد روشن، تهران: اساطیر.

هزار حکایت صوفیان (۱۳۸۹). تصحیح حامد خاتمی‌پور، تهران: سخن.

هفت کشور و سفرهای ابن تراب (۱۳۸٦). تصحیح ایرج افشار و مهران افشاری، تهران: چشمه.

همایون‌فرخ، رکن‌الدین (۱۳۷۰). *تاریخ هشت هزار سال شعر ایرانی*، تهران: علمی.

همایی، جلال [بی‌تا]. *تاریخ ادبیات ایران، مشتمل بر تاریخ ادبیات ایران از ازمنهٔ قدیم تاریخی تا حملهٔ مغول*، ج ۱ و ۲، تهران: فروغی.

همدانی، محمد بن محمود (۱۳۷۵). *عجایب‌نامه*، تهران: مرکز.

Nells, William (1997). *Frame works: Narrative Levels and Embedded Narrrative*, New York: Peter Lang.

Prince, Gerald (2003). *Dictionary of Narratology*, Revised version, University of Nebraska Press: Lincoln and London.

Archive of SID

www.SID.ir